

حسین حقانی زنجانی

خط شخصیت دیگران از نظر اسلام

"اگر دیدید کسی بگناهان و لغزشهای دیگران دنیا رسیدگی می‌کند ولی از اعمال رشت و ناپسند خود غفلت می‌ورزد بدانید که خود را فریب داده است."

از سخنان امام صادق (ع)

از مجموع مدارک معتبر اسلامی (اخبار و قرآن مجید) بخوبی استفاده می‌شود که اسلام بطور کلی به شخصیت هر فرد مسلمانی ارج نهاده ، راضی نیست بر موقعیت فردی و اجتماعی او کوچکترین آسیبی وارد آید مگر اینکه خودش نتواند آنرا حفظ کند و مرتکب اعمالی بشود که وظیفه امر بسوروف و نبی از منکر که بعهده هر مسلمانی گذارده شده است احیاء

کند که دیگران مقابل با او برخاسته منظور اصلاح او و دیگران شخصیت و احترام او مورد مخاطره قرار نگیرد.

اسلام برای حفظ احترام و شخصیت افراد و وظائف متعددی را متوجه فرد فرد مسلمانان نموده و در فرسشهای مناسب آنها را بامارت‌های گوناگونی گوشزد کرده است از جمله آنها این است که اگر مسلمانی بی بردند که فرد مسلمان (عمداً و یا سهواً) مرتکب گناهی شده است ، و در اینکار " متجاهر " محسوب نمی‌شود وظیفه دارند آنرا پیش سایر مردم آشکار نمایند تا شاید بعدها که از عمل رشت خود دست برداشت و سراسون آن گردید آبرو و حیثیت و موقعیت اجتماعی او هفر برود.

رسول اکرم (ص) خطاب ب مسلمانها می‌فرماید: **اَسْتَوْا عَلٰی اِخْوَانِكُمْ** یعنی "ای مسلمانیها اصول برادری ایجاب می‌کند که مثل سایر و انسانی ، عیوب برادران خود را سوشانید."

ببر واضح است که منظور این نیست که در مقام اصلاح عیوب دیگران برآیند زیرا چنین کاری نه تنها خدمت به برادر دینی است و خودداری از آن حیانت بهار و جامعه مسلمین محسوب می‌شود بلکه مقصود اینست که در مقام عیب خوئی از او برسانیده و بصفت حساب‌های تخمیی و غیر آن ، آبرو و حیثیت او را در میان حدیث از بس برسد چنین کاری است که اسلام از آن نهی کرده است.

نیز هست (و حتما در مقام اصلاح آنها بر آری قبل از اینکه با حیثیت مردم بدون جهت بازی کنی) .

علی (ع) کسانی را که در اصلاح صفات ناپسند خویش نمی‌کوشند و تنها منتظران صرف عیوب دیگران می‌گردند مورد عذت فرار داده می‌فرماید :

" تعجب دارم از کسانی که عیوب

دیگران را مورد تمسح قرار می‌دهند در حالیکه بزرگترین عیوب را خود دارا هستند و ابد آنها را نمی‌بینند و بار تعجب دارم از کسانی که در مقام اصلاح عیوب جامعه هستند (و بآن دلسوری می‌نمایند) در حالیکه خودشان شدیدا به آنها دچار بوده و اعمال رشتی را مرتکب می‌توند و هرگز در مقام اصلاح خودشان بر نمی‌آیند . و تنها همت خود را صرف اصلاح دیگران می‌نمایند . ۵

و حتی آنحضرت در برخی از کلمات

گهرا خود را اینگونه افراد ، به بدترین مردم " نام می‌برد " **سُرَّ النَّاسِ مِنْ لَابِعْضِ الرَّثَّةِ وَلَا سُرَّ الْعَوْدَةَ** . بدترین مردم کسانی هستند که از لعرض دیگران در نمی‌گذرند ، عیوب آنان را نمی‌بوشانید .

از کلمه " سُرَّ النَّاسِ " که در این روایت واقع شده است استفاده می‌شود که این عمل مذموم مستلماً آفات و ضرور رسانی بوده ، زیرا بهای بسیاری برای جامعه به ارطغان می‌آورد .

از کلمه " اِخْوَانِكُمْ " بخوبی پندار است که اسلام در این دستور ، روی عاطفه برادری و مسلمانی نگه کرده و می‌خواهد که هر مسلمانی بصرله لباسی باشد که عیوب برادر مسلمان خود را می‌بوشاند و آبرو و شخصیت او را از گردن حفظ می‌نماید . و در برخی از روایات این وظیفه برادری همان نحو بصر آورده شده است . علی (ع) در **سَهْلُ السَّلَامَةِ** می‌فرماید : ۲

اَكْبَرُ الْعَيْبِ اَنْ تَعْتَبَ مَا مَسَكَ

یعنی " بزرگترین عیب این است که دیگران را بر روی رشتی بچیزی که خود دارای آن هستی ، منظور این است که آسمان باید در مرحله اول در فکر اصلاح عیب خود باشد تا گفتاری در دیگران موثر استفاده ، با اصلاح جامعه باحجامد و بسببی است که اصلاح عیوبی که غالب افراد ، آنها را دارا می‌باشند بفرار عاج از این می‌شود که عیب عیوب دیگران برودند چنانکه علی (ع) می‌فرماید :

مَنْ خَطَرَ عَيْبَ نَجِيْبٍ اَسْمَلُ یعنی " خطری که عیب نجیب است

کسیکه اصلاح عیوب خود را بدینتر فرار دهد تا بزرگتر ، از جستجوی عیوب دیگران دوری می‌نماید و بخود می‌بردارد ، و بی- جهت از دیگران عیب خوئی نمی‌کند و بار آنحضرت فرمود : **اَسْرُؤُةُ اَحَبِّ لِنَاسٍ تَعْلَمُهُ بِنَكِّ** یعنی " کسی عیب دیگران را بوشان عیب اینکه نظر این عیوب در حیثیت

و در برخی از احادیث از جنس
کسی بعنوان شخص جاهل نام برده شده
است چنانکه علی (ع) می فرمود
"كُفِيَ بِالْعَرَبِ خَيْلًا أَنْ يُجَهِّسَل
صُوبَ نَفْسِهِ وَيُطْعَنَ عَلَى النَّاسِ بِأَلَا يَسْتَطِيعُ
التَّحْوِيلَ مِنْهُ" ۷ در جهالت شخص کالی است
که از صوب خویش عامل باشد ولی بطعن
سایر مردم زبان باز کرده در مورد موسی
که خودش قدرت دوری از آنها ندارد به
عصب خویش دیگران می بردارد".

از همه آنها گذشته یونس سفین
عیوب مردم . زمینه زندگی مسالمت آمیز را
که یکی از اصول مهم اخلاقی اسلام شمار
شود فراهم می آورد زیرا بدیهی است کسی
بنا باشد یا کوچکترین چیزی که هرکس در
برادر دینی خود می بیند آنرا آشکار کند و
عزت و شخصیت او احترام نگذارد او نیز
سفایلا همان کار را انجام داده بدین -

رسمت جامعه دچار خرفه شدید گردیده
زندگی مسالمت آمیز ، مکنی از بین می رود
از آیه روایت که علی (ع) در هیچ الزامی
می فرماید

"أَنْتَ وَأَسْرَتُكَ سَلَّمَ" یعنی "در
مقابل عیوب دیگران سکوت کن (و آنرا)
ندیده بگیر) و آنرا یونان نارتدگی
مسالمت آمیز برای جامعه فراهم گردد.

و بار آنحضرت در کلام دیگری
باین معنی اشاره می کند چنانکه می فرماید:
"سُرْمَا غَابَتْ أَحْسَنُ مِنَ الْأَسْرِ"

مَا ظَنَنْتُ ۸ یعنی " یوشانیدن آنچه از عیوب
دیگران می بینی بهتر از آشکار ساختن عیوبی
است که به آنها گمان می ببری".

زیرا اولاً ممکن است عیوبی که در
دیگران در ظاهر می بینی مبتنی بر پندار و
گمان باشد و نباید بمجرد گمان و پندار با
شخصیت افراد بازی کنی.

و ثانیاً با اشاعه آنها چه نتایج
سودمندی باو و جامعه عاید می گردد . جز
اینکه شکاف بین مسلمانها زیاد شده وهم -
بسگی مسلمانها روبه ضعف می نهد . نتیجه
دیگری ندارد بلکه برعکس اگر عیب دیگران
را آشکار کنی چه سا ممکن است روزی برسد
که از این عمل رست و ناپسند خود نادم و
پشیمان گردیده ، توبه نماید از اینرو علماء
علم اخلاقی "سوره عیوب" را یکی از عیوب
بزرگ و آلوده و صحیح و مایه سنگافکار
و صاحب عیب شمار آورده اند . ۹

علاوه بر این حدیثها در این باب
بسیار است و آنرا در بعضی یونان و مفسران
است چنانکه از رسول اکرم (ص) منقول
است "مَنْ سَرَّ عَلَيَّ سَلَّمَ سِرَّةَ اللَّهِ فِي
الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ كَمَا أَنَّكَ مَثَّ سَلْمَاسِي رَأَى
سِرْمَا غَابَتْ أَحْسَنُ مِنَ الْأَسْرِ" ۱۰

اهمیت این موضوع وقتی بیشتر
روشن می شود که ملاحظه کنیم که چگونه
حدیث سار العیوب بوده راسی نیست
عیوب مردم و گناهان آنان بدون آنکه نسخه

"ستاربت" خداوند سوء استفاده می کند

و در ارتکاب گناهان اصرار می ورزد.

از اینرو در برخی از احادیث می خوانیم که رسول اکرم (ص) در روز رستاخیز از مقام ربوبی می خواهد که امت او را در حضور فرشتگان و اسماء به مقام محاسبه در نیاورد تا سبب باطنی آنان آشکار نگردد بلکه آنان را طوری محاسبه کند که دیگران از سبب آنان باخبر نشوند و خداوند سزای آنحضرت را می پذیرد^{۱۱}

بقیه: حفظ شخصیت دیگران ...

اصلاحی برای فرد و جامعه داشته باشد آشکار گردد و از این باب است که خداوند طریق اثبات عمل زنا و سایر اعمال زشت را بسیار مشکل قرار داده است چنانکه برای حد عمل نامشروع زنا احتیاج به شهادت چهار نفر عادل دارد آنهم با شرایط سختی که در مجلس مقرر شده است و نظیر چنین مقرراتی کم و بیش برای اثبات سایر گناهان نیز تعیین شده است که همه آنها بروشنی دلالت دارند که اسلام نمی خواهد گناهان و اعمال زشت و ناپسند در میان جامعه مسلمین آذنی گردد و غیر نتیجه از فسخ آنها کاسته شود و از اینجاست که خداوند با بردباری و حلم بی نهایت خود اعمال زشت پنهانی گناهکاران را جز در مسواورد باذری که منطقت در اظهار آنها است آشکار نمی سازد و چه سزا بندگانی که از مفسد

- ۱- وسائل باب امر بصروف و نهی از منکر باب ۳۲ حدیث ۷
- ۲- نهج البلاغه شماره ۲۲۲ از حکم و بحار ج ۴۹/۷۵
- ۳- بحار ج ۴۹/۷۵
- ۴- وسائل باب ۳۲ باب امر بصروف و نهی از منکر
- ۵- مستدرک الوسائل ج ۱ باب ۲۶
- ۶- وسائل باب امر بصروف باب ۳۶- حدیث ۸
- ۷- مستدرک الوسائل ج ۱
- ۸- شرح نهج البلاغه ج ۲
- ۹- جامع السعادات ج ۲/ ۲۸۰
- ۱۰- جامع السعادات ج ۲/ ۲۸۱

پرتال جامع علوم انسانی

گرگ، اگر در لباس جویان باشد

إِذَا كَانَ الرَّاجِي دُشْمًا فَالْمَأْتَةُ مَنْ يَحْفَظُهَا؟

اگر جویان گرگ، باشد گویند آن را چه کسی حفظ می کند؟

ص ۳۰۰ شماره ۲۱۸

از کلمات قصار

امیر مومنان
"علیوم"